

تأملی بر جایگاه مجرم گردانی در پرتو سیاست کیفری تشهیر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۳/۲۴

ابراهیم باطنی*

چکیده

شناساندن و گرداندن مجرم در محل وقوع رفتار مجرمانه به عنوان جزئی از واکنش اجتماعی سنتی و شناخته شده در جوامع محسوب می شود. در نظام حقوقی ما، ریشه چنین واکنشی در بحث فقهی تشهیر و در قوانین موضوعه به طور خاص تری در واکنش نسبت به مفاسد اقتصادی و یقه سفیدی قابل ملاحظه و بررسی است. تشهیر و «مجرم گردانی» به عنوان ابزار و شیوه ای برای این نهاد، همچون بسیاری از واکنش های اجتماعی دیگر در قبال پدیده مجرمانه می تولند نسبت به جرائم مختلف، واجد آثار متفاوتی باشد و چالش هایی را به دنبال داشته باشد؛ اهمیت واکاوی دقیق و تبیین این موضوع از منظر حقوق کیفری، زمانی دوچندان و نمایان می شود که چنین رویکردی به بخشی از واکنش معمول در مورد مجرمانی خاص (اراذل و اوباش) تبدیل شود و علاوه بر اختلافات، اشکالات و شبهات مطرح شده در خصوص جایگاه و نحوه مجرم گردانی، بازتاب نامطلوبی از سیاست کیفری را به نمایش درآورد. این مقاله با بررسی نهاد تشهیر به طور عام و مجرم گردانی به عنوان شیوه ای خاص؛ به منظور تبیین جایگاه چنین واکنشی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، با نیم نگاهی به ریشه فقهی و اندیشه حقوقی و اصول حاکم بر حقوق جزا، به این پدیده و چالش های پیش روی این سیاست کیفری پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش است که: تشهیر به صورت مجرم گردانی در سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟ و به طور خاص، تشهیر و مجرم گردانی افراد شرور و اراذل و اوباش دارای مبنای قابل دفاع و موجهی است؟

مجرم گردانی به شیوه ای که در سالهای اخیر در واکنش نسبت به افراد شرور متداول بوده؛ مغایر با اصول مسلم حقوق کیفری و تحت تأثیر رویکرد عوام گرایی کیفری قلیل ارزیابی است. صرف نظر از چالش شیوه تشهیر و این نکته که استفاده از ابزار رسانه ای، ظرفیت و

قابلیت نسبی بهتری در تحقق هدف و فلسفه وجودی این نهاد دارد؛ از منظر کیفرشناختی نیز تشهیر، تناسب و سنخیت بیشتری در واکنش به جرایم یقه‌سفیدی و مفساد اقتصادی دارد تا چنین جرایمی.

واژگان کلیدی: مجرم‌گردانی، تعزیر، تشهیر، سیاست کیفری، عوام‌گرایی کیفری، اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها.

مقدمه

امروزه تأمین نظم عادلانه، برقراری امنیت و واکنش در برابر پدیده مجرمانه از وظایف اصلی حاکمیت محسوب می‌شود. در راستای چنین رسالتی، نظام‌بخشی به واکنش در برابر پدیده مجرمانه و توجه به کارآمدی مجازات‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و به دغدغه‌ای مشترک میان مردم و حاکمیت تبدیل شده است.

قوانین کیفری و کارآمدی آن، از دغدغه‌های اصلی جوامع گوناگون بوده و هست؛ در کشور ما نیز عرصه حقوق کیفری به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در معرض تغییر و تحول بیشتری قرار گرفت و با هدف مطابقت قوانین با موازین اسلامی و در راستای اصل چهارم قانون اساسی، چندین دوره تحول و تغییر قوانین را تجربه کرده و طی چند مرحله در جهت رفع نواقص و کارآمدی قوانین کیفری و مجازات‌ها گام‌هایی برداشته است. در این میانه و در عمل، گاه با واکنش‌هایی مواجه می‌شویم که جایگاه بعضی از این اقدامات واکنشی در نظام جزایی روشن نیست. حتی ممکن است چنین واکنش‌هایی نسبت به پدیده مجرمانه، دلسوزانه و با هدف مقابله مقتدرانه و اثربخش انجام‌پذیرد اما به دلیل عدم تحلیل و تبیین متناسب در منظومه کیفری، بر سردرگمی و ابهام می‌افزاید و مشکلات را افزون می‌کند.

یکی از ابهامات مهم در سالیان اخیر به موضوع مجرم‌گردانی توسط نیروی انتظامی و پلیس بازمی‌گردد که نسبت به مجرمانی خاص (اراذل و اوباش یا مجرمان شرور) اعمال می‌شود. گرچه گرداندن و رسواکردن مجرم و شناساندن او به مردم، روشی سنتی و شناخته شده است اما جایگاه و نحوه چنین اقدامی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران مورد پرسش جدی بوده و چالش‌های فراوانی به دنبال داشته است. این رفتار پلیس در قبال دسته‌ای خاص از مجرمان، موجب ایجاد شبهه

در اذهان عمومی شده و با اشکالات و شبهات مطرح شده در خصوص جایگاه و نحوه مجرم‌گردانی، بازتاب نامطلوبی از سیاست دستگاه قضایی و نیروی انتظامی به تصویر درآمده که محل نزاع و مورد انتقاد و اختلاف نظر فراوان قرار گرفته و سؤال از جایگاه چنین اقدامی در فرآیند دادرسی و سیاست کیفری را به دنبال داشته است. عدم تبیین جایگاه مجرم‌گردانی در نظام کیفری؛ مبتنی بر اصول و قواعد حاکم بر حقوق جزا، این رویکرد را با ابهام و چالشی جدی مواجه می‌سازد و اقدامات و تلاش‌های صحیح و مؤثر صورت گرفته را نیز کم‌اثر یا بی‌اثر می‌کند و امکان دفاع آگاهانه یا اصلاح حکیمانه را سلب می‌کند.

برای دستیابی به تبیینی شایسته از مجرم‌گردانی و جایگاه این اقدام در فرآیند دادرسی و سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی خاستگاه فقهی و حقوقی و اندیشه‌های پشتیبان چنین اقدامی، در ضمن توجه به معیارهای عام و ضوابط حاکم بر حقوق کیفری ضروری است. در این راستا؛ ضمن تبیین خاستگاه فقهی و حقوقی «مجرم‌گردانی»، با نیم‌نگاهی به ماهیت و آثار چنین کیفری ازسویی و ارزیابی «مجرم‌گردانی» در پرتو اصول حاکم بر حقوق کیفری ازسویی دیگر؛ موضوع در دو بخش، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱. «تشهیر»؛ خاستگاه فقهی «مجرم‌گردانی»

چگونگی سامان‌دهی واکنش‌های اجتماعی رسمی در برابر رفتارهای ضد اجتماعی، فرآیند پیچیده‌ای است که از عوامل مختلفی؛ از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تا ساختارها و نهادهای جامعه؛ تأثیر می‌پذیرد اما مهم‌ترین مؤلفه مؤثر که در تبیین نظام حقوقی کشور ایران به صورتی عام نقش آفرین است؛ اندیشه اسلامی و ریشه‌های فقهی است. بدین جهت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران موازین اسلامی و احکام فقهی در ارتباط با شکل‌گیری حقوق موضوعه و ساختارهای حقوقی، نقش بی‌بدیلی دارد؛^۱ که در تحولات تقنین کیفری و شکل‌گیری نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران این نقش کاملاً نمایان و مؤثر است بنابراین برای بررسی و تبیین مجرم‌گردانی شایسته است ابتدا به خاستگاه فقهی و سپس جایگاه حقوقی «مجرم‌گردانی» پرداخته شود.

۱. نقش بی‌بدیل موازین اسلامی و ریشه‌های فقهی در اصول مختلف قانون اساسی از تقنین تا قضا مورد تأکید است. اصول ۴، ۷۲، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۶۷ و... در این خصوص قابل توجه است.

از آنجاکه ریشه «مجرم‌گردانی» از نگاه فقهی در مجازات تشهیر قابل واکاوی است؛ در ادامه به مصادیق مورد اشاره تشهیر در مباحث فقهی؛ همچنین شیوه تشهیر و مجرم‌گردانی و جایگاه چنین اقدامی در تعزیرات خواهیم پرداخت.

۱-۱. تشهیر

واژه «تشهیر» از ریشه «شهر» به معنای علنی کردن، اشاعه دادن، شهره‌کردن، مشهور کردن و رسوا کردن است که با آشکار کردن و نمایاندن زشتی عمل همراه است (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۳۱/ جهری فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۰۰/ فیومی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۲۶). «تشهیر» یا «إشهار» در ادبیات فقهی نیز به معنای «آشکار کردن» است. از این عنوان در باب‌های مختلف قضاء، حدود و دیات بحث شده و بر حسب آنچه بدان اضافه می‌شود، مفهوم خاصی پیدا می‌کند برای مثال، تشهیر سلاح به مفهوم برکشیدن آن از نیام یا نشانه رفتن آن به سوی کسی است و تشهیر مجرم، گرداندن او در خیابان‌ها و معرفی به مردم است که با آشکار و علنی شدن قبح عمل مجرم و رسوایی او همراه است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۰۸).

فقهها، ارتکاب جرایم شهادت زور، قذف، قوادی و احتیال را محلی برای تشهیر مجرم ذکر کرده‌اند. علاوه بر این موارد؛ تشهیر فرد ورشکسته و مفلس، مورد اشاره عده‌ای از فقهاست.^۱ البته در محاربه نیز گرچه به تشهیر اشاره نشده اما نحوه اجرای مجازات نفی بلد می‌تواند با شکلی از معرفی محارب به مردم همراه باشد که در ادامه به اختصار به این موارد اشاره خواهد شد:

۱-۱-۱. شهادت زور

شهادت زور؛ گواهی دادن عمدی خلاف واقع است (ابوجیب، ۱۴۰۸، ص ۱۶۱). گواهی دروغ و شهادت کذب از جرایم خطرناکی است که به دلیل جایگاه مهم شهادت در ادله اثبات (به‌تنهایی و همراه با سایر ادله)، با آسیب به عدالت قضایی و منحرف کردن مسیر عدالت می‌تولند مورد

۱. تشهیر مفلس (ورشکسته) به دلیل مصلحت اجتماعی و پیشگیری از متضرر شدن مردم نیز از مواردی است که در بیان فقها آمده است تا مردم چنین فردی را به افلاس بشناسند و کسی با او معامله نکند مگر آنکه به اسقاط دعوایش علیه مفلس، راضی باشد؛ چرا که دعوا بر علیه مفلس پس از تشهیر، پذیرفته و مسموع نیست (ر.ک: حلبی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۱/ ابن‌زهره، ۱۴۱۷، ص ۲۵۰/ سبزواری، ۱۴۲۱، ص ۳۰۶). در واقع تشهیر ورشکسته، نوعی اقدام پیشگیرانه و بازدارنده مرتبط با نظم عمومی و در جهت حفظ حقوق عامه برای پیشگیری از متضرر شدن مردم کاهش دعوی محسوب می‌شود بدون اینکه لزوماً با ارتکاب جرمی از سوی مفلس همراه باشد.

سوء استفاده و موجبی برای تعدی به حقوق افراد قرار گیرد. صاحب جواهر تعزیر شاهد زور را لازم و واجب دانسته و این امر را از مواردی ذکر کرده که اختلافی در آن دیده نشده و به صلاح‌دید حاکم، شلاق و تشهیر در مورد چنین مجرمی اجرا می‌شود^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۲). تشهیر شاهد زور مستند به ادله نقلی و روایاتی است که در این مورد بیان شده است (همان، ص ۲۵۲-۲۵۳). بر همین اساس؛ اکثر فقها علاوه بر تعزیر، به لزوم و وجوب تشهیر شاهد زور قائل شده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۰/ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۹۸/ ابن بزّاج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۴/ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۷۶/ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۵/ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۴۳۱/ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۴۳۲/ خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۵۴/ خوبی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۴۱۹) اما بعضی همچون شیخ مفید و ابن ادریس با بیان عبارت «ینبغی»^۲ تشهیر شاهد زور را شایسته و سزاوار دانسته‌اند و ذکر آن از وجوب تشهیر در کلام ایشان نیست.

۱-۱-۲. قذف

«قذف»^۳ از جمله جرایمی است که مجازات حدی دارد. حد قذف با استناد به قرآن کریم (نور: ۴) و روایات، ۸۰ ضربه شلاق است؛ نص خاصی در مورد تشهیر قاذف وجود ندارد با این وجود عده‌ای از فقها علاوه بر مجازات حدی قذف، تشهیر را نیز بر مجازات قاذف افزوده‌اند (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۴۷/ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۸۸). دلیل تشهیر قاذف را اشتراک علت با شاهد زور و آگاهی مردم از احوال قاذف و شناخت نسبت به اینکه او خلاف شرع سخن می‌گوید و عدم قبول شهادت او ذکر کرده‌اند بنابراین، جریان حکم تشهیر در قذف را مبتنی بر تنقیح مناط و وحدت ملاک می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۳۰/ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۵۳۷/ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۲۵/ گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۳۲). گرچه بر تشهیر قاذف؛ اشکال عدم

۱. «یجب تعزیر شاهد الزور بلا خلاف آنچه فیہ بما یراه الحاکم من الجلد و النداء فی قبیلته و محلته».
۲. «والشاهد الزور یجب علیه العقاب بما دون حد القذف و ینبغی للسلطان ان یشهره فی المصر لیعرفه الناس بذلک» (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۹۵) و «و شاهد الزور یجب علیه التعزیر بما دون الحد و ینبغی للسلطان ان یشهره فی المصر، لیعرفه الناس، فلا یسمع منه قول و لا یلتفت إلیه فی شهادة و یحذرہ المسلمون» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۲۹).
۳. قذف در اصطلاح فقهی به معنای نسبت دادن غیر واقع و متهم نمودن شخص به زنا یا لواط است. تحقق این جرم و اجرای حد بر قاذف متوط به شرایط خاصی است که تفصیل آن در کلام فقها آمده است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۶۶-۱۹۴/ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۵۱۸-۵۳۶/ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۱-۴۶).

وجود دلیلی برای تشهیر و مثبت نبودن اشتراک علت به عنوان دلیل نیز مطرح شده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۱۵۲) اما به نظر می‌رسد در مورد قذف؛ تشهیر نوعی اقدام تکمیلی است که بازدارندگی برای مجرم و پیشگیری از بزه‌لیده واقع شدن افراد دیگر جامعه را در پی دارد. ^۱ با این وجود عده‌ای از فقها به تشهیر قاذف اشاره نکرده‌اند و تنها به مجازات ۸۰ ضربه شلاق حدی تصریح نموده‌اند (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۴۲۷/ ابن بزاج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۴۶/ مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۹۲/ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۲۳/ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۱۹). امام خمینی نیز تشهیر قاذف را تنها به عنوان رأی و نظری ذکر کرده‌اند (خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۷۶).

۱-۱-۳. قَوَادِی

«قَوَادِی»^۲ جرمی است که سلامت اخلاقی جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد و به گسترش روابط نامشروع دامن می‌زند. مجازات قاذف ۷۵ ضربه شلاق است. بعضی از فقها، تراشیدن سر (حلق)، نفی بلد و تشهیر را به این مجازات افزوده‌اند (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۹۱/ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۰). البته نص خاصی در مورد تشهیر و حلق قواد وجود ندارد و اگر دلیل، روایت «ابن سنان»^۳ باشد شایسته است براساس مضمون روایت تنها شلاق و نفی بلد اجرا شود (طبسی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۶-۱۱۷). گرچه قول به تراشیدن سر و تشهیر قواد به مشهور نسبت داده شده و بنا به نظر مشهور، تشهیر در مورد قواد اجرا می‌شود؛ (ر.ک: ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۴۲۷/ ابن بزاج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۳۴/ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۷۱/ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۶۴/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۰۰/ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۳۱۹/ خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۷۱/ بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۲۹۶)، اما عده‌ای معتقدند؛ مستندی برای آن وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۱۲۶/ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۵۰۸/ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱،

۱. در بیان فقها عبارت «لجنتب شهادتهم و یرتدع غیرهم» بیانگر چنین هدفی است.

۲. قَوَادِی براساس ماده ۲۴۲ ق.م.ا. عبارت است از: «به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط». بیان قانون، بارتابی از کلام فقها در تعریف قیادت است: «و القیاده: الجمع بین فاعلی الفاحشه من الزنا و اللواط» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۶۴) و «و أما القیاده: فهي الجمع بین الرجال و النساء للزنی أو بین الرجال و الرجال للواط» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۴۸).

۳. روایت عبدالله بن سنان: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَخْبِرْنِي عَنِ الْقَوَادِ مَا حَدَّهُ - قَالَ لَا حَدَّ عَلَى الْقَوَادِ - أَلَيْسَ إِنَّمَا يَغْطِي الْأَجْرَ عَلَى أَنْ يَفُودَ قُلْتُ - جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّمَا يَجْمَعُ بَيْنَ الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى حَرَاماً - قَالَ ذَاكَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى حَرَاماً - فَقُلْتُ هُوَ ذَاكَ قَالَ يَضْرِبُ - ثَلَاثَةَ أَرْبَاعٍ حَدَّ الزَّانِي خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ سَوْطاً - وَ يَنْفَى مِنَ الْمُضَرِّ الَّذِي هُوَ فِيهِ» (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۷۱).

۱.۱.۴. احتیال

کلاهبرداری و توسل به حيله و خدعه برای به چنگ آوردن مال دیگران از جرایمی است که در کلام فقها با عنوان «احتیال» مورد بررسی قرار گرفته و به مجازات تشهیر برای «محتال» (کلاهبردار) اشاره شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۲۲ / مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۵ / علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۸۴ / سلار، ۱۴۰۴، ص ۲۵۹ / ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۱۲ / ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۲۳)؛ گرچه مجازات محتال، تعزیر است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۰۴) و تشهیر نقل شده در کلام فقها، بر صلاح‌حدید و بنا بر تشخیص مصلحت از سوی حاکم، حمل می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۹۹-۵۹۸). بنابراین به نظر می‌رسد؛ تشهیر در مورد کلاهبردار و جرایم مرتبط نیز اقدامی تکمیلی است که به جهت مصلحت اجتماعی و بازدارندگی و منع از تکرار جرم، مطرح شده و در اختیار حاکم است. در واقع با افشاء هویت کلاهبردار و شناساندن او به مردم، امکان تکرار جرم از او سلب می‌شود و مردم از او بر حذر داشته می‌شوند که در معاشرت و معامله با چنین فردی، به او اعتماد نکنند و بزه‌دیده واقع نشوند.^۱

۱.۱.۵. رسوایی و تشهیر کارگزاران و خیانت کاران نسبت به اموال عمومی

علاوه بر جرایم حدی و تعزیری پیش‌گفته، با استناد به «عهدنامه مالک اشتر»^۲ و با تمسک به سیره عملی حضرت علی علیه السلام در برخورد با واقعه خیانت «ابن هرمة»؛ مامور حکومتی و ناظر بازار اهواز؛ رسوایی و معرفی کارگزاران و خیانت‌کاران نسبت به اموال عمومی را موجه دانسته‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، صص ۴۴۹، ۴۵۲ و ۴۹۹) و تشهیر این مفسدان اقتصادی که امروزه تحت شمول

۱. بعض از عبارات فقها در این زمینه قابل توجه است. برای نمونه: «و المحتال علی أموال الناس بالمکر و الخدیعة یغرم ما أتلفه و یعاقب بما یردعه عن مثل ذلک فی مستقبل الأحوال و یشهره السلطان بالنکال لیحذر منه الناس» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۵) و «... یجب علیه العقوبة و التعزیر و التأدیب و یغرم ما أخذ بذلک علی الکمال و ینبغی للحاکم أن یشهره بالعقوبة لکی یرتدع غیره عن فعل مثله فی مستقبل الأوقات...» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۱۲).

۲. امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر «عهدنامه مالک اشتر»؛ چنین می‌فرماید: «... فَإِنْ أَخَذَ مِنْهُمْ بَسْطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةِ اجْتِمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عُنْدَكَ خُبْرًا غِيُونِيكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

عنوان «مجرمان یقه‌سفیدی» (White-Collar Criminals) قرار می‌گیرد را تجویز می‌کنند. از منظر امام علی علیه السلام سیاستی منسجم و همه‌جانبه در خصوص بزهکاری یقه‌سفیدها قابل ارائه است (ر.ک: میرخلیلی، ۱۳۹۵، ص ۳۹-۷). گرچه در آثار فقهای پیشین شیعه، به مجازات رسوایی و تشهیر کارگزاران و خیانت‌کاران نسبت به اموال عمومی و تمسک به این روایات اشاره‌ای نشده اما فلسفه و مبانی حقوقی بکارگیری نهاد تشهیر با سیره حکومتی عملی حضرت علی علیه السلام در نظام اجتماعی، همراستا به نظر می‌رسد و چه بسا اگر فقهای پیشین نیز در عمل با حکومت‌داری و مسائل حاکمیتی در جامعه اسلامی مواجه بودند، رسوایی و تشهیر کارگزاران و خیانت‌کاران نسبت به اموال عمومی را مورد توجه قرار می‌دادند. به‌ویژه آنکه تشهیر؛ مجازاتی تعزیری و در بیشتر موارد، تکمیلی محسوب می‌شود که در بحث‌های بعدی به این نکته اشاره خواهد شد.

۱-۱-۶. معرفی ضمنی و اطلاع‌رسانی در محاربه

مجازات بعضی از جرایم به‌طور ضمنی با معرفی فرد به مردم همراه است گرچه نامی از تشهیر برده نمی‌شود. در این خصوص می‌توان به مجازات «نفی بلد»^۱ در مورد محاربه اشاره کرد که در شیوه اجرای نفی بلد؛ به اطلاع مردم آن شهر رسانده می‌شود و ابلاغ می‌گردد که با محارب مجالست، معاشرت و معامله نکنند و اگر به جای دیگری منتقل شد باز چنین ابلاغی صورت می‌گیرد تا آنکه توبه کند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۲۰/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۹۲) این اقدام و تدبیر امنیتی در مورد محارب که با معرفی ضمنی او به مردم همراه است در واقع تشهیر نیست بلکه محدودسازی حداکثری و ناتوان‌سازی با سلب فرصت و امکان تعامل با دیگران است که نظارت و محدودیت شدید اجتماعی را در پی دارد. به نظر می‌رسد چنین تدبیری می‌تواند در بازدارندگی و کنترل شخصیت مجرمانه و سرکشی مسلحانه محارب، نقش مؤثری داشته باشد.^۲

۱. یکی از مجازات‌های چهارگانه در محاربه، نفی بلد است (مانده: ۳۳). گرچه در ترتیبی یا تخییری بودن مجازات‌های حدی محاربه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد اما قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۸۳ نظریه تخییر قاضی را پذیرفته است (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۷۳-۵۷۴).

۲. از سوی دیگر اجرای علنی مجازات‌ها نیز می‌تواند به نوعی با معرفی ضمنی مرتکب همراه باشد گرچه امروزه اجرای علنی مجازات، خود بحثی پر مناقشه و محل اختلاف است (ر.ک: منتظری، ۱۴۲۹، ص ۱۰۴-۱۱۰/امیدی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳-۲۳۶/حسینی اشکوری، ۱۳۹۳، ص ۲۵-۴۴)، اما در اینجا معرفی مرتکب موضوعیت ندارد بلکه شاهد اجرای مجازات بودن عده‌ای از افراد جامعه محل توجه است.

۱-۲. شیوه تشهیر و مجرم‌گردانی

اجرای تشهیر می‌تواند به صورت‌های مختلف و با توجه به ابزار و امکانات موجود صورت گیرد و در این خصوص، کارآمدی و اثربخشی آن باید مورد توجه قرار باشد؛ علاوه بر اینکه رعایت موازین اخلاقی در اجرا نیز از امور مهمی است که باید مورد رعایت قرار گیرد.

۱-۲-۱. اشکال گوناگون اجرا

در جوامع و نظام‌های حقوقی، مصادیق و اشکال مختلفی از تشهیر قابل ملاحظه و بررسی است. امروزه، جرایم مختلفی از جرایم اقتصادی و یقه‌سفیدی تا جرایم زیست محیطی و جرایم جنسی و رانندگی در حالت مستی می‌تواند در سپاهه جرایم قابل تشهیر قرار گیرد. برای مثال؛ در ایالات متحده آمریکا «قانون مگان» (Megan's Law) در مورد معرفی و حتی انتشار تصویر و محل زندگی مجرمان و متجاوزان جرایم جنسی و آگاه‌سازی عمومی قابل توجه است.^۱

صرف‌نظر از مصادیق و گستره جرایم مورد تشهیر در نظام‌های کیفری؛ شیوه تشهیر و اجرای مجرم‌گردانی، موضوع قابل تأملی است که در کلام فقها به شیوه سنتی «اطافه» و گرداندن مجرم در شهر و در میان مردم و معرفی او در اماکن عمومی اشاره شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۰/ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۰/ ابن‌بزاز، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۴/ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۱/ فاضل‌هندی، ج ۱۰، ص ۱۴۱۶، ص ۴۰۱). البته امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات این شیوه سنتی تا حدود زیادی جای خود را به انتشار حکم محکومیت قطعی و تشهیر رسانه‌ای داده است و رسانه‌ها را نیز از وسایل تشهیر برشمرده‌اند و اعلام در صدا و سیما و مطبوعات را بر حسب تشخیص حاکم، ابزاری برای تشهیر دانسته‌اند (طیبی، ۱۴۱۶، ص ۱۲۷). آنچه امروزه متداول و مورد تصریح در قوانین کیفری است؛ انتشار حکم قطعی است و نه انتشار تصویر یا مصاحبه مجرم. در خصوص اشکال مختلف اجرا باید گفت؛ محور اصلی نهاد تشهیر، اعلان جرم و معرفی مجرم به مردم با هدف بازدارندگی و آگاهی‌بخشی است و با توجه به امکانات موجود و در دسترس، شیوه و ابزاری همچون ابزار رسانه که این امر را به نحو مطلوبی محقق کند؛ مورد پذیرش خواهد بود.

۱. قانون مگان، قانون جاکوب ولترلینگ، قانون جسیکا، قانون کریستوفر و لایحه قانون سارا؛ به احترام کودکانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و به قتل رسیده بودند، نام‌گذاری شده‌اند. (ر.ک: پرت، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

۱-۲-۲. رعایت موازین اخلاقی در اجرا

گرچه در کلام فقها به کیفیت و چگونگی تشهیر اشاراتی شده و محور اصلی آن اعلان جرم و معرفی مجرم به مردم با هدف بازدارندگی و آگاهی بخشی است، اما نکته قابل توجه، اجتناب از روش های غیر اخلاقی و توهین آمیز و حتی اجبار به اظهاراتی علیه خود است که در بیان فقهایی همچون شیخ طوسی بدان تصریح شده است.^۱

در مورد استفاده از ابزار رساله ای نیز رعایت موازین اخلاقی و انسانی و حفظ حرمت افراد ضروری است. بنابراین اجبار محکومان و زندانیان به انجام مصاحبه تلویزیونی به شیوه رایج در عصر ما و درهم شکستن شخصیت اجتماعی آنان، از نظر شرع حرام است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴۷-۴۴۸). البته چنانچه مجرم در ارتکاب جرم و تجاهر به رفتار مجرمانه و عناد نسبت به حق به مرحله ای برسد که حرمت و احترامی برای او نزد خداوند و عقلا باقی نماند و به فردی متهتک و خارج از جرگه انسانیت بدل شود، در این صورت پخش اسرار او حرمتی ندارد، تا جایی که موجب هتک حرمت دیگران نشود. همچنین جایی که لازم باشد شخص به مردم شناسانده شود تا به او اعتماد نکنند یا مورد آسیب قرار نگیرند همچون شاهد زور یا امین بازار (که خيلت کند) که در میان مردم می گردانند و به مردم معرفی می کنند و موارد دیگری که در انتشار و افشای آن مصلحت ملزمه ای وجود داشته باشد (همان، ص ۴۴۸-۴۴۹).

علاوه بر شیوه معرفی و تشهیر و رعایت موازین اخلاقی در اجرا؛ نکته قابل تأمل، قلمرو و گستره اعمال تشهیر در جرایم و جایگاه آن در میان مجازات ها و امکان تأثیر و بازدارندگی و توجه به ضرورت و مصلحت است که در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۱. «و کیفیه الشهر أن ینادی علیه فی قبيلته، أو مسجده، أو سوقه و ما أشبه ذلك بأن هذا شاهد زور. فاعرفوه و لا یخلق رأسه و لا یركب و لا یطوف به و لا ینادی هو علی نفسه» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۰)؛ ابن ادریس نیز بیانی مشابه بر این نکته تأکید دارد (ر.ک: ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۰)؛ همچنین بیان فاضل هندی در بحث شاهد زور، چنین است: «یجب تعزیر شاهدی الزور کغیره من الکبائر كما مرّ فی خبر ابراهیم بن عبد الحمید عن الصادق (ع) لیرتدع غیره کذا بإفراد الضمیر عن خطّه و کذا یرتدعا أنفسهما فی المستقبل و اشتهاره فی قبيلته و محلّته لیجتنب الناس قبول شهادته بأن ینادی علیه فی محلّته أو قبيلته أو سوقه أو مسجده بأنّه شاهد زور فاعرفوه. و لا یخلق رأسه و لا یركب و لا یطاف به و لا ینادی هو علی نفسه و لا یمثل به» (فاضل هندی، ج ۱۰، ص ۱۴۱۶، ص ۴۰۱).

۱-۳. تشهیر و تعزیر

دسته‌بندی جرایم در قانون مجازات اسلامی، به تبع نظام کیفری اسلام و براساس مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات سامان می‌یابد؛^۱ گرچه در موارد خاصی تشهیر، مستند به ادله روایی آمده و در متون فقهی در جرایم خاصی به این مجازات تصریح شده اما پرسش‌های مختلفی در این خصوص قابل طرح است؛ آیا این موارد حصری است و امکان تشهیر در جرایم دیگر وجود ندارد؟ و آیا تشهیر، مجازات اصلی است یا به تبع حکم اصلی و به صلاحدید حاکم اجرا می‌شود و ماهیتی تعزیری دارد که بنا به مصلحت و برای بازدارندگی امکان اجرا می‌یابد؟. گرچه هر یک از این پرسش‌ها می‌تواند مورد بحث و بررسی مفصلی باشد اما در اینجا با رعایت اختصار و ایجاز کلام؛ تبیین این مطلب را مقدمه‌ای برای پرداختن به تحلیل حقوقی «مجرم‌گردانی» در نظام کیفری ایران قرار خواهیم داد.

87

تشهیر می‌تواند اقدامی آگاهی بخش و بازدارنده باشد که در خصوص مجرم، به‌عنوان مجازاتی تعزیری و حتی تکمیلی (علاوه بر مجازات اصلی) قابل اعمال است.

پیش‌تر به این نکته اشاره شد که فقها با وحدت ملاک، اجرای تشهیر را در سایر موارد غیر منصوص همچون مجازات محتال نیز بیان کرده‌اند. بنابراین تشهیر نیز نوعی تعزیر محسوب شده و به‌کارگیری آن در موارد متناسب و در غیر موارد مصرح و تعزیرات منصوص، امکان‌پذیر به نظر می‌رسد چراکه تعزیر تنها شامل ضرب نیست بلکه تعزیر اعم از ضرب است و اینکه، برخی تعزیر را تنها شامل ضرب می‌دانند، محل تأمل است، در مورد تشهیر و موارد مشابه همچون تبعید و حبس؛ غیر از حد و تعزیر، مجازات سومی قابل تصور نیست و این موارد به‌طور قطع از باب تعزیر است (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۹). از آنجاکه تعزیر واژه‌ای است که حقیقت شرعیه، متشرعه و حتی فقهیه در مفهوم تنبیه بدنی و ضرب نیست و به‌معنای منع و بازداشتن است؛ بنابراین هر عملی که مجرم را از جرم باز دارد؛ نوعی تعزیر است و هرگز منحصر به شلاق نیست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۲۳-۳۲) و تشهیر نیز با ملاک بازدارندگی و با رعایت قواعد تعزیر، با توجه به کمتر از حد بودن تشهیر و بنا به اقتضای مصلحت و بنا به صلاحدید حاکم، می‌تواند مصداقی از تعزیر محسوب شود.

۱. طبق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد؛ ب) قصاص؛ پ) دیه؛ ت) تعزیر».

در نظام کیفری اسلام و در بحث تعزیرات، حاکم بر مبنای بازدارندگی، اثر پیشگیرانه و قابلیت اصلاحی، به تعیین مجازات می‌پردازد و مجازات اعم از اینکه حبس تعزیری، شلاق، تبعید، تشهیر یا امثال آن باشد را به تناسب بنا بر مصلحت به کار می‌گیرد (ر.ک: طسی، ۱۴۱۶، ص ۲۱-۲۷).

خلاصه کلام اینکه؛ تشهیر در زمره مجازات‌های تعزیری قرار می‌گیرد و با رویکردی تعزیری قابل تحلیل است (ر.ک: محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۷۴-۷۵). بنابراین به نظر می‌رسد تشهیر در صورت اثربخشی و بازدارندگی در مورد سایر جرایم که در کلام فقها؛ ذکری از آن به میان نیامده نیز امکان اعمال دارد.^۱ اما توجه به دو نکته را نباید از نظر دور داشت؛ نخست اینکه گرچه تشهیر به صورت سنتی در قالب مجرم‌گردانی در محل و در میان مردم انجام می‌شده، امروزه فضای ارتباطات و رسانه، مجال و بستر مناسبی برای تشهیر فراهم کرده است و تشهیر رسانه‌ای امری شناخته‌شده و مورد پذیرش است و با وجود چالش‌های خاص تشهیر رسانه‌ای، در صورتی که اهداف مورد نظر از جمله؛ شناساندن و معرفی مجرم بدین صورت محقق گردد می‌تواند جایگزین مناسبی برای مجرم‌گردانی باشد. نکته دوم توجه به کاربرد تشهیر تنها در موارد ضروری است چراکه تشهیر در غالب موارد، مجازات مضاعفی - علاوه بر مجازات اصلی - محسوب می‌گردد و به نوعی مجازات تکمیلی است که به تنهایی کاربرد ندارد. در تعیین و اعمال این مجازات؛ اصل ضرورت، مصلحت و سودمندی برای بازدارندگی در کنار ضرورت حفظ کرامت و آبروی افراد باید مورد توجه باشد و در مرحله اجرا نیز باید به منظور حفظ حرمت افراد، دقت‌های لازم صورت پذیرد که در فصل بعدی به این مطلب در ضمن بحث تشهیر و «مجرم‌گردانی» از منظر قوانین، اندیشه حقوقی و اصول حاکم بر حقوق جزا خواهیم پرداخت.

۲. جایگاه تشهیر و مجرم‌گردانی در قوانین و اندیشه حقوقی

بخشی از وظیفه پلیس به‌ویژه در مقام ضابط قوه قضاییه، مقابله مؤثر با مجرمان و عوامل ایجاد ناامنی در چارچوب قوانین است اما شرورگردانی و اراذل و اوباش‌گردانی در محل وقوع جرم که در سالیان اخیر نسبت به مجرمان خطرناک و باسابقه درگیری مسلحانه توسط پلیس انجام می‌شده؛

۱. البته در مقابل این نظر؛ رویکرد بعضی از فقها در عدم پذیرش گسترش دامنه شمول تشهیر و اکتفای به نص قابل ذکر است که ضمن تمسک به اظهار تردید در جواز تشهیر در مواردی همچون قذف، استدلال صاحب جواهر مبنی بر اشتراک علت بین قاذف و شاهد زور را قیاس و ضعیف می‌داند (اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۰۰).

می‌تواند از دغدغه پلیس برای تأمین امنیت و اطمینان بخشی به شهروندان در انجام این وظیفه نشان داشته باشد اما صرف نظر از انتقادات و ابهاماتی که نسبت به نحوه مجرم‌گردانی توسط پلیس در سالیان اخیر و بستر شکل‌گیری چنین رفتاری وجود داشته؛ خاستگاه و جایگاه حقوقی تشهیر و مجرم‌گردانی مورد نقد و پرسش جدی قرار دارد. برای تبیین بهتر موضوع، نخست به جایگاه بحث در قوانین ایران اشاره خواهیم کرد و سپس از منظر اندیشه حقوقی، ابتدا با نگرشی کیفی شناختی و در نهایت با نگاهی به اصول حاکم بر حقوق کیفری به تحلیل موضوع خواهیم پرداخت.

۲-۱. سیاست کیفری تشهیر و مجرم‌گردانی در قوانین موضوعه

اگرچه محل بحث از تشهیر و معرفی مجرم در نظام کیفری، پس از صدور حکم و منوط به صدور حکم محکومیت قطعی و مطابق با موازین در ماهوی پیش‌بینی شده در قوانین ماهوی است اما در فرآیند دادرسی، پیش از صدور حکم نیز امکان استفاده از نهادهایی مشابه وجود دارد.

۲-۱-۱. جایگاه تشهیر و مجرم‌گردانی در قوانین ماهوی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات تشهیر به صورت مجرم‌گردانی حتی در جرایم شهادت زور، قذف و قوادی وجود ندارد، اما در ماده ۱۹ به انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها به عنوان مصداقی از مجازات تعزیری درجه ۶ تصریح شده؛ ماده ۳۶ این قانون، در جرایم محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه ۴ و کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال مشروط بر اینکه موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد و همچنین در بعضی از جرایم که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد؛ انتشار حکم محکومیت قطعی را (علاوه بر مجازات اصلی جرم) الزامی دانسته است. همچنین انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ پیش‌بینی شده است.

علاوه بر موارد الزامی مندرج در ماده ۳۶ که قابل انتقاد به نظر می‌رسد و ممکن است در بستر عوام‌گرایی کیفری تحلیل شود (ر.ک: قماش و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۴۰-۴۱)؛ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی به صورت بسیار گسترده‌ای، به قاضی اختیار داده تا در جرایم مستوجب حد و قصاص و جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه شش تا درجه یک، علاوه بر مجازات‌های اصلی، متهم را به یک یا چند مجازات تکمیلی محکوم کند و انتشار حکم محکومیت قطعی نیز از

مجازات‌های تکمیلی است. بنابراین نه تنها در جرایمی همچون قوادی و قذف، بلکه در همه جرایم مستوجب حد و قصاص و بسیاری از جرایم تعزیری، امکان و اختیار انتشار حکم برای قاضی وجود دارد.

مقنن در رویکرد جدید خود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست کیفری امکان به کارگیری حداکثری تشهیر و انتشار حکم را در پیش گرفته؛ گرچه چنین رویکردی ممکن است اقدامی نوآورانه و سیاست استفاده حداکثری و ضابطه‌مند از ظرفیت تعزیرات تلقی شود اما با دقت نظری تاریخی و تأملی در سیاست کیفری پیش از انقلاب، بازگشتی نسبی به امکان حداکثری صدور دستور انتشار حکم قطعی از سوی دادگاه صادرکننده حکم را تداعی می‌کند. البته به موجب ماده ۱۷ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، استفاده از چنین امکانی محدود به جرایم خاصی نبود مشروط بر این که منافع عمومی و یا منافع مدعی خصوصی ایجاب نماید.

با نسخ قانون اقدامات تأمینی و یکپارچه‌سازی مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با توجه به پیشینه انتشار اسامی و خلاصه احکام مفسدان اقتصادی با الحاق تبصره ۳ به ماده ۱۸۸ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» در سال ۱۳۸۵؛ موارد الزامی انتشار حکم در ماده ۳۶ پیش‌بینی گردید و امکان استفاده از چنین ابزاری به‌عنوان مجازات تکمیلی در ماده ۲۳ طراحی شد، علاوه بر اینکه با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مجازات‌های اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ به رسمیت شناخته شد.

گرچه در بعضی از قوانین خاص؛ مانند قانون تعزیرات حکومتی و قانون تعزیرات حکومتی مربوط به امور بهداشتی درمانی مصوب اسفند ۱۳۶۷ نیز اشکالی از تشهیر به‌صورت نصب پارچه و پلاکارد و حتی در مواردی تشهیر رسانه‌ای برای جرایمی همچون گران‌فروشی، کم‌فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه و عدم صدور فاکتور، ایجاد مؤسسات پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت تخصصی، همچنین تشهیر دلال به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های بزرگ از قبیل کلاهبرداری و خیلنت در املنت، در قوانین پیشین و در اصلاحیه مورخ ۱۳۳۹/۷/۴ آیین‌نامه قانون دلالات ۱۳۱۹، قابل ملاحظه است اما رویکرد کلی و سیاست کیفری غالب، معطوف به تشهیر رسانه‌ای و انتشار حکم محکومیت مجرمان است و تشهیر به شیوه

مجرم‌گردانی در این سیاست کیفری جایگاهی ندارد.

۲-۱-۲. جایگاه تشهیر و متهم‌گردانی در قوانین شکلی و فرآیند دادرسی

استفاده از نهاد تشهیر به‌عنوان مجازات، تنها در خصوص مجرم و ضمن صدور حکم و قطعیت آن امکان‌پذیر است، اما آیا پیش از صدور حکم و در مراحل تحقیق و تعقیب، متهم‌گردانی یا تشهیر متهم امکان‌پذیر است؟

گرچه معرفی متهم و متهم‌گردانی در مرحله تحقیق و تعقیب در داسرا و پس از آن؛ پخش رسانه‌ای دادگاه و گزارش اسامی در فرآیند دادرسی و پیش از صدور حکم قطعی، تخصا از بحث مجازات‌های تعزیری خارج است اما اشاره به چنین موارد مشابهی ناگزیر به نظر می‌رسد.

توجه به تفاوت مرحله تحقیقات مقدمات و مرحله رسیدگی در دادگاه ضروری است چراکه براساس اصول حاکم بر نظام دادرسی؛ اصل محرمانگی تحقیقات در مرحله نخست و اصل علنی‌بودن دادرسی در مرحله رسیدگی دادگاه وجود دارد. البته علنی‌بودن محاکمات؛ مورد تصریح ماده ۳۵۲؛ به مفهوم عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است و انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده تنها در صورتی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است.

مطابق با تبصره ۲ از ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه‌دارشدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.

بحث پخش رسانه‌ای دادگاه در فرآیند دادرسی و پیش از صدور حکم قطعی، بحثی دامنه‌دار است که مجال و مقالی دیگر می‌طلبد به‌ویژه آنکه با توجه به ضرورت برخورد قاطع و سریع با برخی از اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی بنا به درخواست مرداد ۱۳۹۷ ریاست وقت قوه قضاییه و کسب اجازه از مقام معظم رهبری، شعب ویژه رسیدگی به اخلال در نظام اقتصادی تشکیل شد و با توجه به اتمام مدت دوساله این اجازه؛ درخواست کسب اجازه توسط ریاست بعدی قوه قضاییه نیز مطرح و با ملاحظاتی مورد تایید قرار گرفت.

پخش رسانه‌ای گزینشی از جریان رسیدگی و گزارش پرونده در این شعب از چالش‌های جدی

و مورد مناقشه است. به نظر نگارنده؛ استثنابودن پخش رسانه‌ای دادگاه و تجویز آن، تنها در موارد ضروری با رعایت شرایط دقیق قانونی و عدالت قضایی و حفظ حقوق متهم در همه موارد به‌طور عام و در این شعب به‌طور خاص، بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد.

در مرحله تحقیقات مقدماتی اصل بر محرمانگی است و حقوق متهم نیز اقتضا دارد از افشای هویت متهم و محتوای پرونده خودداری شود. بر همین اساس؛ مطابق ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری جز به ضرورت، معرفی و انتشار مشخصات مربوط به هویت متهم ممنوع است و تنها در دو مورد و با شرایطی خاص تجویز شده است.^۱

بنابراین تنها در جرایم عمدی و مهم که متهم متواری است و امکان دیگری برای دستیابی وجود ندارد و همچنین در مورد اقرار متهم به ارتکاب جرایم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلوم، به‌منظور آگاهی و حفظ حق شکایت بزه‌دیدگان؛ بنا به ضرورت و با تشخیص و تجویز دادستان، به‌صورت انتشار تصویر (و نه متهم‌گردانی)، معرفی متهم امکان‌پذیر است. البته با تمسک به قرارهای اعدادی برای تحقیق و تمهید برای تکمیل پرونده نیز ممکن است در مواردی همچون تحقیق محلی و معاینه محل و یا هنگام تفتیش و بازرسی یا بازسازی و بررسی صحنه جرم؛ حضور متهم ضروری باشد و با تصمیم قضایی او را در محل حاضر کنند اما چنین اقدامی، ارتباطی با متهم‌گردانی ندارد و جزئی از فرآیند تحقیقات مقدماتی است و در هر صورت به موجب ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری؛ این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پیشگیری از وقوع جرم، به‌موجب ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶؛ از وظایف و ماموریت‌های

۱. ماده ۹۶: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:
الف: متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به‌منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب: متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.»

قانونی نیروی انتظامی است اما آنچه در عمل به‌عنوان شرورگردانی نسبت به افراد شرور و اراذل و اوباش انجام می‌شود جایگاه و مستند قانونی ندارد. چراکه هیچ تعریف قانونی از «اراذل و اوباش» و مجرم‌گردانی درخصوص چنین مجرمانی وجود ندارد و اصطلاحات «شرور» و «اراذل و اوباش» اوصافی عامیانه‌اند که جایگاه حقوقی ندارد. در فرایند دادرسی نیز چنین اقدامی پیش‌بینی نشده است و چنین اختیاری برای ضابطان و نیروی انتظامی وجود ندارد.

۲-۲. تأملی کیفرشناختی بر تشهیر و مجرم‌گردانی

تشهیر؛ در سه محور و با سه هدف اصلی؛ الف: آگاهی‌بخشی به مردم و شناساندن مجرم به‌عنوان اخطاری عمومی در جامعه؛ ب: رسوایی و فروپاشی اعتبار و ابهت مجرم در عرصه عمومی و بازدارندگی؛ ج: بیان اقتدار حاکمیت، تأمین امنیت و برقراری نظم در جهت ایجاد احساس امنیت و جلب اعتماد عمومی در جامعه؛ ممکن است توجیه شود؛ گرچه در موارد خاص و استثنایی همچون قذف امکان اعاده حیثیت را نیز خواهد داشت. توجه به آثار و تناسب با نوع جرایم ارتكابی و شیوه اجرای آن می‌تواند نگرشی دقیق‌تر برای ارزیابی و تحلیل کارآمدی چنین واکنشی فراهم سازد.

مسلم است که بررسی تمام آثار و نتایج پیدا و پنهان واکنش نسبت به جرم و نحوه اعمال آن، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست اما در تأملات کیفرشناسانه می‌توان در بستر شرایط اجتماعی با ارزیابی نقادانه به برآیندی کلی از مجازاتی خاص و امکان بازدارندگی، سزادهی و موفقیت در بازاجتماعی کردن با به‌کارگیری آن، دست یافت. بررسی‌های کیفرشناسانه به‌ویژه در مجازات‌های تعزیری می‌تواند به‌منظور بازنمایی چالش‌ها، هزینه‌ها و فواید؛ در توجه به مصالح و مفساد برای پیش‌بینی و اجرای کارآمد مجازات‌ها و در راستای اصل تناسب جرم و مجازات به نظام کیفری یاری رساند؛^۱ اما تأمل کیفرشناختی در تبیین سیاست کیفری تشهیر، زمانی دقیق‌تر و مفیدتر خواهد بود که علاوه بر پرداختن به ماهیت و آثار شیوه واکنش و رویکردهای زمینه‌ساز، در بستری عینی تحلیل

۱. از دقت در لسان روایات مربوط به حدود و تعزیرات نیز چنین به‌دست می‌آید که تشریح آنها برای اصلاح فرد و جامعه و بازداشتن افراد خاطی و مجرم از تکرار جرم و تأدیب آنها است، نه این‌که دارای اسراری مرموز باشند که قابل فهم برای عرف و عقلا نباشد و اصلاح و تربیت جوامع و افراد از اموری است که متأثر از شرایط زمانی و مکانی می‌باشد و از این جهت برخورد با جرایم و تعزیر مجرمان مختلف نیاز به کارشناسی دقیق دارد. (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۱۱۱).

شود و تحقق اهداف و کارآمدی واکنش نسبت به گونه‌های مختلف جرایم با ماهیتی متفاوت همچون جرایم یقه‌سفید و جرایم خشن و خیابانی مورد توجه قرارگیرد.

۲-۲-۱. تأملی بر تشهیر بر اساس نوع جرایم (در جرایم یقه‌سفید و جرایم خیابانی)

نگاه کیفرشناسانه به تشهیر از منظر توجه به جرایم مختلف و با ماهیت متفاوت می‌تواند در تحلیل و ارزیابی کامل‌تر و تناسب جرم و مجازات مفید باشد. در مورد مجرمان اقتصادی و یقه‌سفیدی که از موقعیت اجتماعی یا اعتماد عمومی سوء استفاده می‌کنند و غالباً با موجه‌نمایی و با فریب و پنهان‌کاری مرتکب جرم می‌شوند (ر.ک: موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ص ۹۹-۱۳۲)؛ مجازات تشهیر بازدارنده‌تر به نظر می‌رسد چون با ماهیت این جرایم در سوءاستفاده از موقعیت اجتماعی آبرومندانه، سنخیت بیشتری دارد و در تکمیل واکنش اجتماعی و در کنار سایر مجازات‌ها و حتی به تنهایی، امکان تاثیرگذاری بیشتری دارد چراکه در اینجا، در موارد زیادی با بزهدارانی مواجه‌ایم که بیش از اندازه اجتماعی هستند و به دلیل قدرت انطباق و هم‌نویی با جامعه، جرم با سوءاستفاده از اعتبار، احترام و اطمینان محقق می‌شود. اعتقاد بر این است که برای این قبیل مجرمین باید از ضربه «تند، کوتاه و شدید» استفاده نمود (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰)؛ شرمساری و مجازات‌های خجل‌کننده همچون تشهیر می‌تواند واجد چنین ویژگی‌هایی تلقی شود و در جرایم یقه‌سفیدها؛ رسوایی و شرمساری نسبت به سایر اشکال واکنش اجتماعی همچون حبس و جزای نقدی، توانایی تأثیر بالقوه و بازدارندگی بیشتری دارد (گروه مترجمان، ۱۳۷۹، صص ۳۴۴ و ۴۵۶)؛^۱ درحالی‌که تأثیر و کارآمدی تشهیر و رسواسازی نسبت به مجرمان خیابانی و سطح پایین (یا مجرمان فیزیکی و خشن) که به «مجرمان یقه‌آبی» (Blue-Collar Criminals) شهرت دارند و غالباً مجرمان متجاهر و بی‌پروایی هستند یا حداقل، اعتبار عمومی و حیثیت سرمایه اصلی این افراد محسوب نمی‌شود؛ مورد تردید جدی است و بر بی‌اعتبارکردن این افراد، بازدارندگی چندانی متصور نیست بلکه محدود سازی ارتباط با دیگران همراه با تشدید نظارت اجتماعی و ناتوان‌سازی یا اقداماتی در جهت اصلاح و بازپروری، سنخیت بیشتری با این جرایم دارد و متناسب‌تر و نتیجه بخش‌تر تلقی می‌شود.

۱. علاوه بر اشخاص حقیقی، بسیاری از جرایم شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، امروزه در جرگه جرایم یقه‌سفیدی قرار می‌گیرد (ر.ک: قورچی‌بیگی، ۱۳۹۴، ص ۸۸-۱۱)؛ بنابراین تشهیر و اطلاع‌رسانی عمومی و انتشار حکم محکومیت قطعی اشخاص حقوقی، یکی از محازات‌های اصلی، متعارف و کارآمد محسوب می‌شود؛ چراکه اعتبار اجتماعی، سرمایه اصلی شرکت‌ها و اشخاص حقوقی محسوب می‌شود.

البته ترس از جرایم خشن و خیابانی با وجود نرخ بالای جرایم یقه سفیدی و مفاسد اقتصادی، افکار عمومی را به سمت واکنش های افراطی و سرکوبگر بدون توجه به مؤثر بودن و کارآمدی مجازات متمایل و بستر عوام‌گرایی کیفری را مهیا می‌کند (ر.ک: نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱، ص ۷۷-۷۸/ قماشی و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۰-۲۱).

چنین کیفرهایی که مبتنی بر بدنامی و رسوایی است تنها باید در موارد متناسب اجرا و اعمال شود و این کیفرهای خوار کننده نباید بیش از اندازه و به دفعات اجرا شود همچنین نباید یکباره متوجه شمار زیادی از اشخاص گردد زیرا بهره‌گیری زیاد از نیروی افکار مردم موجب تضعیف قدرت آن می‌شود و بدنامی شمار زیادی از افراد، رفته رفته برای هیچ‌یک قبیح نیست (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۸۲-۸۳) بنابراین استفاده نامتناسب، گسترده و حداکثری از ابزار تشهیر می‌تواند به ناکارآمدی و بی‌اثر شدن این واکنش بیانجامد حتی اتخاذ روش‌های نامناسب و غلط می‌تواند اثری معکوس و منفی در افکار عمومی پدید آورد.

95

صرفنظر از چالش فقدان و جاهت مجرم‌گردانی در نگاه تقنین کیفری که در بخش پیشین، بحث آن گذشت؛ تشهیر و مجرم‌گردانی از منظر کیفرشناختی نیز با جرایم فیزیکی و مسلحانه و اقدامات افراد شرور و مجرمان خیابانی تناسب چندانی ندارد. حتی از منظر فقهی نیز با بررسی مصادیق تشهیر، تناسب بیشتری میان جرایم یقه سفیدی با تشهیر قابل ملاحظه است و تشهیر جرایمی از سنخ جرایم خیابانی و جرایم خشن با رویکرد فقهی و مصادیق ذکر شده برای تشهیر، همگام و هم‌راستا نیست. هدف اصلی آنچه در مورد معرفی ضمنی محارب ذکر شده نیز بازدارندگی با محدودسازی حداکثری است و معرفی ضمنی، تنها مقدمه لازمی برای تحقق این هدف محسوب مس شود. در واقع در اینجا تشهیر مطرح نیست بلکه براساس آنچه بیان شد؛ محدودسازی حداکثری و ناتوان‌سازی با سلب فرصت و امکان تعامل با دیگران است نه صرف آگاهی بخشی به مردم و شناساندن مجرم به عنوان اخطاری عمومی در جامعه؛ چراکه برای صرف آگاهی بخشی به مردم و شناساندن مجرم، بدون محدودسازی حداکثری تأثیر قابل توجهی متصور نیست و در چنین مواردی رسوایی و فروپاشی اعتبار و ابهت مجرم در عرصه عمومی و بازدارندگی را نیز به دنبال ندارد چراکه چنین افرادی باکی از رسوایی و شناسانده شدن ندارند (ر.ک: بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱، ص ۳۰۰)؛ بر همین اساس دو هدف اصلی مورد انتظار، با تشهیر در خصوص چنین مجرمانی (بر خلاف مجرمان یقه سفید) برآورده نخواهد شد اما در مورد امکان تحقق هدف سوم؛ «بیان اقتدار حاکمیت،

تأمین امنیت و برقراری نظم در جهت ایجاد احساس امنیت و جلب اعتماد عمومی در جامعه؛ در بحث بعدی و به صورت خاص در تبیین «رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مجرم‌گردانی اراذل و اوباش» مورد توجه قرار خواهد گرفت. البته گفته شده؛ تشهیر از منظر بازدارندگی اجتماعی و اخطار برای جامعه که امکان بازدارندگی عمومی را فراهم‌کند مؤثر است؛ به این صورت که؛ نمایش شرمساری‌ها و مشاهده آن در اوایل زندگی تمایلات ضد جرم را افزایش می‌دهد؛ یا با این استدلال که درک تجربه شرمساری محکوم و درگیری احساسی همراه با غلبه احساس ترس و دلهره فرد را به نوعی خودکنترلی می‌رساند که برای اجتناب از چنین مجازاتی در آینده، مرتکب چنین جرمی نشود (ر.ک: غلامی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸-۱۷۰). تحلیل روانشناختی اخیر می‌تواند در مورد برخی از افراد جامعه صادق باشد اما صرف نظر از اینکه عمومیت و گستره تأثیر این بازدارندگی مورد تردید جدی است و آثار منفی گسترده آن نیز در ارزیابی و اتخاذ سیاست کیفری باید لحاظ شود بنابراین با این کلیت و بدون توجه به اقتضای تربیتی افراد قابلیت استناد چندانی ندارد و یا تمسک به چنین استدلال‌هایی بدون توجه به شرایط اجتماعی، نوع جرم و شرایط مجرم؛ تجویز تشهیر قابل پذیرش نیست.^۱ چنین نگاهی به شدت در معرض لغزش در ورطه عوام‌گرایی کیفری است و تشهیر و رسوایی بی ضابطه و نابجا می‌تواند از مجرمی با امکان باز اجتماعی شدن، فردی ضد اجتماعی بسازد. گرچه تشهیر در موارد ضروری و متناسب می‌تواند کارکرد اخطار عمومی را به همراه داشته باشد اما تشهیر و رسوایی فراون و مکرر در جامعه، شرم را از بین می‌برد و قبح جرایم و بازدارندگی عمومی را کاهش می‌دهد.

۲-۲-۲. تأملی بر شیوه تشهیر

تشهیر؛ چه به شیوه سنتی مجرم‌گردانی و اطافه در بستر زمانی خود و چه در شکل نوین تشهیر رسانه‌ای و انتشار حکم قطعی، می‌تواند براساس برخی از اهداف مورد توجه مجازات‌ها، قابل

۱. بحث شرمساری در مجازات‌ها بحث پر دامنه و قابل تأملی است. تردیدی وجود ندارد که حس شرمساری در درون انسان می‌تواند بازدارنده باشد و امروزه شرمساری یکی از عناصر اصلی برنامه‌های ترمیمی محسوب می‌شود (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۸۵)، اما در اینجا مسائل مهم‌تر عبارت است از اینکه آیا در افرادی که شاهد تشهیر یا حتی مجازات‌های دیگر هستند حس شرمساری بازدارنده ایجاد می‌شود؟ یا در سطحی گسترده حس ترس و دلهره بازدارنده ایجاد می‌کند؟ و ایجاد چنین حسی معقول و مطلوب است؟ یا تربیت و تحلیل‌های تربیتی بازدارندگی و خودکنترلی ایجاد می‌کند؟

توجیه باشد که به سه محور اصلی؛ «الف: آگاهی بخشی به مردم و شناساندن مجرم به عنوان اختطاری عمومی در جامعه؛ ب: رسوایی و فروپاشی اعتبار و ابهت مجرم در عرصه عمومی و بازدارندگی؛ ج: بیان اقتدار حاکمیت، تأمین امنیت و برقراری نظم در جهت ایجاد احساس امنیت و جلب اعتماد عمومی در جامعه» و به امکان تأثیر نسبی در مواضع متناسب اشاره شد. در عین حال چنین نهادی از نظر مالی و زمانی، واکنشی کم هزینه است اما ازسویی دیگر باید در نظر داشت که تشهیر، به ویژه به صورت رسانه‌ای، دارای معایب گسترده‌ای نیز هست.^۱

در مقایسه تشهیر به شیوه مجرم‌گردانی و رسانه‌ای؛ گرچه در نگاه اول، ممکن است چنین تصور شود که شیوه مجرم‌گردانی با رعایت موازین اخلاقی و انسانی، در مواردی آثار منفی کمتری نسبت به تشهیر رسانه‌ای دارد اما امروزه با گسترش روزافزون فضای مجازی و رسانه‌های ارتباط اجتماعی، تصاویر و فیلم‌های مربوط به مجرم‌گردانی به سرعت در فضای مجازی پخش می‌شود و آثار منفی تشهیر رسانه‌ای نیز به صورت غیرقابل کنترلی بدان افزوده خواهد شد.

بنا بر آنچه ذکر شد؛ مجرم‌گردانی، به ویژه هنگامی که مغایر با موازین حقوقی و بدون در

۱. مهم‌ترین معایب و آثار منفی به‌طور خلاصه عبارت است از:

الف: منافات با حفظ حیثیت و کرامت افراد؛ با توجه به اینکه ضمن اجرای مجازات، حتی الامکان آبروی مجرم نیز باید محفوظ باشد.

ب: منافات با اصل شخصی بودن مجازات‌ها.

پ: منافات با حریم خصوصی و حق بر فراموشی و عدم آگاهی دیگران از سابقه محکومیت و سجل کیفری جز در موارد خاص، ضروری و به حکم قانون (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶-۱۶۷).

ت: از دست رفتن زمینه و انگیزه اصلاح با تشهیر و رسواشدن مجرم با توجه به نظریه «برچسب‌زنی» و سلب امکان بازگشت و جامعه‌پذیری. (همان).

ث: پررنگ جلوه‌دادن و تمسک به تشهیر برای تبلیغ تأمین امنیت و مقابله با جرایم و نپرداختن حاکمیت به وظایف پیشینی (پیشگیرانه) و پنهان کردن مشکلات ساختاری، نظارتی و خلاهای قانونی، به ویژه در جرایم و مفاسد اقتصادی و یقه‌سفیدی.

ج: عدول از حق و عدالت به دلیل تحریک احساسات و افکار عمومی در مواردی همچون جرایم اقتصادی و تمایل به «عوام‌گرایی کیفری» برای جلب نظر مردم.

چ: سلب اعتماد عمومی از حاکمیت و ساختارهای موجود و احساس ناامنی با گسترش تشهیر در جرایم گوناگون ازسویی (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۸) و کاهش حساسیت افکار عمومی نسبت به جرایم و از بین رفتن قبح و زشتی عمل نزد مردم با تشهیر پی در پی مجرمان (همان، ص ۱۴۲)؛ که در مواردی نه تنها بازدارندگی ندارد، بلکه خود سبب آموزش نحوه ارتکاب جرم خواهد بود.

ح: فراهم ساختن خوراک تبلیغاتی برای جنگ رسانه‌ای و حتی در مواردی؛ مظلوم جلوه‌دادن مجرم یا قهرمان‌سازی از وی.

نظرگرفتن اثربخشی و به شیوه‌ای غلط و غیرقابل پذیرش همچون توهین و کتک‌زدن همراه باشد؛ هیچ جایگاه و جاهتی در نظام کیفری ندارد و خود، عملی مجرمانه و تخلف محسوب می‌شود علاوه بر اینکه می‌تواند موجب جلب ترحم برای مجرم و مظلوم‌نمایی و حتی عدم اطمینان مردم شود که با سوء استفاده رسانه‌ای و ژورنالیستی به ابزاری برای گسترش احساس بی‌عدالتی و احساس عدم امنیت و بی‌اعتمادی به نیروی انتظامی و دستگاه قضایی و کل ساختار حاکمیت تبدیل شود^۱ و قانون‌مداری مجریان قانون را به چالش بکشد. در این صورت چنین اقدامی اثری معکوس و مخرب بر جای خواهد گذاشت. بنابراین اهداف و فلسفه مورد انتظار از تشهیر با استفاده از ابزار رسانه‌ای به نحو مطلوب‌تری قابل دستیابی خواهد بود تا گرداندن مجرم در خیابان و محل وقوع جرم؛ به شرط آنکه به تناسب جرم ارتكابی و ابزار واکنشی و همچنین نحوه دقیق و کم‌آسیب‌تر در اجرا توجه شود. علاوه بر توجه به اینکه چه جرایمی تناسب بیشتری با واکنش تشهیر دارند و چه شیوه‌ای مفیدتر و کم‌چالش‌تر است؛ پرسش مهمی که در استفاده از ابزار رسانه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا «اطلاع‌رسانی» با ابزار رسانه‌ای شیوه مناسب‌تری است یا «امکان اطلاع»؟

به نظر می‌رسد رویکرد امکان اطلاع، تا حدود زیادی از معایت و چالش‌های تشهیر رسانه‌ای بکاهد چراکه در اطلاع‌رسانی؛ از طریق صدا و سیما یا روزنامه‌ها، موضوع به اطلاع مردم می‌رسد اما در رویکرد «امکان اطلاع»؛ در سایت قوه قضاییه یا سایت‌های پیش‌بینی شده رسمی در مواردی که حکم قضایی با رعایت شرایط تجویز نماید؛ امکان اطلاع برای عموم مردم فراهم می‌شود و امکان اطلاع از حکم قطعی صادره در دسترس شهروندان قرار می‌گیرد. استفاده از چنین روشی از چالش‌های تشهیر رسانه‌ای مستقیم می‌کاهد بنابراین تشهیر رسانه‌ای با اطلاع‌رسانی و انتشار در رسانه‌ها، اخبار و جراید؛ فقط باید به موارد ضروری محدود شود و تنها در مواردی که نیاز به اطلاع‌رسانی مستقیم و اخطار عمومی و شناساندن مجرم به عموم مردم ضرورت دارد از ظرفیت این رویکرد استفاده شود و زمینه تغییر سیاست کیفری «امکان اطلاع» به جای اصل بر «اطلاع رسانی» در استفاده از ابزار رسانه‌ای فراهم گردد.

البته در چنین رویکردی باید حق بر فراموشی مجرم و حذف مشخصات و در دسترس نبودن هویت وی پس از اعاده حیثیت و با گذشت زمانی که در قانون تعیین شده مورد توجه دقیق قرار گیرد

۱. متأسفانه تصویر مجرم‌گردانی توسط پلیس در کنار تصویر اسرایی که توسط داعش گردانده می‌شدند در سطح وسیعی در فضای مجازی منتشر شد.

(ر.ک: انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶—۱۶۷) و ضمن احترام به بزه‌کار رفتار مجرمانه او طرد شود تا امکان بازاجتماعی شدن او وجود داشته باشد و به فردی ضد اجتماعی تبدیل نشود.^۱

۲-۲-۳. تأملی بر رویکرد عوام‌گرایی کیفری در خیابان‌گردانی ارادل و اوباش

جرایم شدید و خشن و جنایات وحشت‌آفرین با تصور شدیدتری از برهم زدن زندگی نظم و امنیت اجتماعی و تأثیر بر احساسات عمومی و ترس از جرم همراه است و قابلیت بیشتری برای برانگیختن خشم عمومی و مطالبه شدت عمل و چالش لغزش به عرصه عوام‌گرایی کیفری را دارد. که گاه در حیطه تقنین نفوذ می‌کند؛ گاه به عرصه قضا سرایت می‌کند و گاهی در رویکرد و رفتار پلیس و نیروی انتظامی متجلی می‌شود و برای پاسخ به احساس خشم و هیجان در جامعه و مطالبات اجتماعی؛ شتابزده و عوامانه، اصول و موازین حقوقی را فرو می‌کاهد و نگاه کارشناسی و توجه دقیق به آثار؛ و همچنین حقوق متهم یا مجرم را نادیده می‌گیرد و مطالبه اصلی برای تأمین کارآمد نظم و امنیت و پیشگیری از موارد مشابه، مورد غفلت واقع می‌شود. چنین اقداماتی که با هدف «نمایش اقتدار حاکمیت، تأمین امنیت و برقراری نظم برای ایجاد احساس امنیت و جلب اعتماد عمومی در جامعه»، دنبال می‌شود؛ در بلند مدت و با درک بی‌اثر بودن آن از سوی مردم؛ می‌تواند نتیجه‌ای معکوس به دنبال داشته باشد.

در خیابان‌گردانی ارادل و اوباش، با تجلی رویکرد عوام‌گرایی کیفری در رفتار پلیس و نیروی انتظامی مواجه هستیم. در واقع پلیس که در مقام حافظ نظم جامعه و در جایگاه تأمین‌کننده امنیت شهروندان، خود را تحت فشار افکار عمومی برای برقراری نظم و امنیت و مداخله به موقع و پیشگیرانه می‌یابد و گاه برای عدم کنترل و انتظام اجتماعی در جرایم خشونت‌بار و شرارت‌های مسلحانه مورد سرزنش اجتماعی قرار می‌گیرد و با مطالبه تأمین امنیت و مواجه نشدن با این جرایم

۱. نکته مهمی که در نهاد تشهیر و شیوه اجرای آن باید مورد توجه باشد رعایت حداکثری الگوی «شرمساری بازپذیرکننده» است که ناظر به طرد رفتار منحرفانه یا مجرمانه در قالب طیفی از اقدامات و واکنش‌هایی است که طی آن به بزهکار احترام گذاشته شده، حیثیت و کرامت انسانی او حفظ می‌گردد، اما در عین حال رفتار منحرفانه یا مجرمانه او طرد می‌شود چراکه بی‌آبرو کردن و سلب حیثیت عمومی و اجتماعی بزهکار، منجر به از بین بردن و گسستن روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه می‌شود اما شرمساری مبتنی بر بازپذیری در راستای تقویت روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه است. عقیده بر این است که این روش منجر به کنترل مؤثرتر جرم خواهد شد و بزهکار را وامی‌دارد تا بسار دیگر تلاش کند به‌عنوان شهروندی مطیع قانون درآید (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴-۱۰۵).

و درگیری‌های شدید از سوی مردم مواجه می‌شود؛ شرورگردانی و نمایش اقتدار پلیس را به عنوان مسیری سهل‌الوصول، کم‌هزینه و موجه‌نما برای پاسخ به افکار عمومی در پیش می‌گیرد در حالی که چنین اقدامی، بازدارندگی فردی و اجتماعی را در پی ندارد.

وقتی عوام‌گرایی کیفری نفوذ یابد کارگزاران نهاد عدالت کیفری تلاش می‌کنند تا اتخاذ سیاست‌هایشان بیشتر انعکاس خواست مردم باشد تا اصول و ارزش‌های نهاد عدالت کیفری (پرت، ۱۳۹۲، ص ۳۴-۳۵)؛ گرچه عوام‌گرایی کیفری اصطلاحی چند وجهی و چند ارزشی است. از یک طرف می‌توان آن را در مقابل سیاست‌های پاسخگو به مردم قرار داد و از طرف دیگر به سیاست‌هایی که فقط عامه پسند هستند، نسبت داد (رابرتز و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۱) اما وجه جهت‌دهی غیرکارشناسانه و استفاده ابزاری از خواست مردم در مفهوم اصطلاحی عوام‌گرایی کیفری متداول شده است.

رویکرد عوام‌گرایی کیفری، آشکارا در اقدام نیروی انتظامی قابل مشاهده و تبیین است. بدین صورت که پلیس در مقام دفاع از عملکرد و ارجاع به خواست مردم، با استناد به انتظار عمومی و مطالبه مردم و با ادعای نمایندگی خواست مردم،^۱ ضمن بی‌توجهی نسبت به نظرات کارشناسی در خصوص کارآمدی و تأثیر یا حتی قانونی بودن واکنش؛ با توجه بیشتر به جنبه نمایشی و تبلیغاتی برای جلب افکار عمومی؛ به شرورگردانی می‌پردازد. این رویکرد، مطابق با فرآیند شگل‌گیری عوام‌گرایی کیفری است^۲ (ر.ک: مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷-۱۵۵ / محمودی جانکی و مرادی حسن‌آباد، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۲۱۴).

مؤلفه‌هایی همچون استفاده از لفظ اراذل و اوباش و نادیده گرفتن حقوق متهم یا مجرم، بر بار و شدت رویکرد عوام‌گرایی کیفری در این مورد می‌افزاید. چراکه چنین رویکردی را می‌توان در واژگان استفاده شده برای توصیف مجرمان در گفتمان رسمی مقام‌های سیاست جنایی دید. گفتمان مورد

۱. در همین راستا بیانات مقامات انتظامی قابل تأمل است. برای نمونه استدلال جانشین انتظامی ایلام با عنوان «گرداندن افراد شرور در خیابان‌ها خواست مردم است» در گفت و گو با خبرنگاری ایسنا، قابل ملاحظه است (see: isna.ir/news/ilam-13904).

۲. البته این بحث به این مفهوم نیست که در تشهیر رسانه‌ای امکان لغزش به دامان عوام‌گرایی کیفری نیست بلکه در کنار کارآمدی، به دلیل گسترش روز افزون و قابلیت‌های گسترده رسانه در بزرگ‌نمایی‌ها و کوچک‌نمایی‌ها و تحریک احساسات و افکار عمومی در بسیاری از موارد زمینه لغزش و ایجاد زمینه «عوام‌گرایی کیفری» در استفاده از ابزار رسانه‌ای فراهم است (رابرتز و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵) که آسیب‌شناسی خاص خود را دارا اما سیاست کیفری «امکان اطلاع» که مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند از چنین آسیب‌هایی بکاهد.

استفاده نسبت به این گروه از بزهکاران موجب برانگیختن احساس خشم و نفرت عمومی نسبت به آنها شده، هرگونه اقدام خشن علیه آنان را موجه می‌سازد (ر.ک: پرت، ۱۳۹۲، ص ۵۰-۵۱/ مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱).

گرچه سیاست‌های عوام‌گرایانه کیفری در بیشتر موارد، ابتدا برای کسب جایگاه و صورت قانونی تلاش می‌کنند و سپس اجرایی می‌شوند؛ برای شرورگردانی و اقدام پلیس به خیابان‌گردانی ارادل و اوباش، هیچ جایگاه قانونی نیز وجود ندارد.

۲.۳. تشهیر و مجرم‌گردانی در پرتو اصول حاکم بر حقوق کیفری

براساس اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها، تشهیر به شیوه مجرم‌گردانی امکان‌پذیر نیست چراکه قانون‌گذار در موارد مختلف به انتشار رسانه‌ای حکم قطعی از طریق روزنامه یا رسانه ملی تصریح کرده‌است و هیچ اشاره‌ای به اطافه و مجرم‌گردانی ندارد؛^۱ مگر آنکه از تعبیر «انتشار حکم» در ماده ۲۳ که به‌عنوان مجازات تکمیلی به شیوه تشهیر به‌صورت رسانه‌ای یا غیر آن اشاره‌ای نکرده؛ چنین برداشت شود که امکان حضور فیزیکی و گرداندن مجرم در مجامع عمومی همراه با انتشار غیررسانه‌ای مانند خواندن حکم، وجود دارد. البته چنین استدلال و استفاده‌ای از مفهوم انتشار صحیح به نظر نمی‌رسد چراکه؛ اولاً: در اینجا هم انتشار حکم مطرح است نه حضور مجرم و مجرم‌گردانی؛ ثانیاً: به موجب ماده ۲۲ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات؛ در چنین موردی، مفاد حکم دادگاه در یک نوبت در یکی از روزنامه‌های محلی منتشر می‌شود مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند. پس تنها در صورتی که دادگاه به شیوه و صورت خاصی از انتشار حکم تصریح کند امکان تشهیر به‌صورتی دیگر و بر اساس تصمیم دادگاه وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، فرض قانونی بر تشهیر رسانه‌ای است.

گرچه در بحث‌های پیشین به اشکال عدم تناسب میان جرم و مجازات نیز در این خصوص

۱. ممکن است در توجیه مجرم‌گردانی به اصل ۱۶۷ قانون اساسی تمسک شود؛ با وجود اختلاف در مورد جریان اصل ۱۶۷ در حقوق کیفری، باید توجه داشت که این اصل مربوط به مرحله قضاست و در مرحله رسیدگی و صدور حکم توسط قاضی و در جایی است که قانون تعیین تکلیف نکرده و حکمی را بیان نکرده؛ نه در مراحل پیشین و مورد استناد پلیس و ضابط؛ علاوه بر این که به‌طور خاص در مورد ارادل و اوباش و مجرمان شرور، سنخیتی میان مصادیق موضوع تشهیر از منظر فقهی با چنین جرایمی وجود ندارد و از بنیان چنین توجیهی قابل ارائه و پذیرش نیست.

اشاره شد؛ حتی اگر امکان مجرم‌گردانی در شرایط خاص و به موجب قانون وجود می‌داشت باز این اشکال پابرجا بود که تعریفی از «مجرم شرور» و «اراذل و اوباش» در قانون وجود ندارد و هیچ حقی برای ضابطان و نیروی انتظامی برای اقدامات مشابه، قبل و بعد از صدور حکم قطعی جز به موجب تصمیم قضایی وجود نخواهد داشت.

البته به موجب ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶؛ استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی را به‌عنوان نخستین مأموریت و پیشگیری از وقوع جرم در مقام ضابط نیز از دیگر وظایف پلیس است؛ پلیس نیز در راستای قانونمداری و انجام وظایف قانونی باید بر اقدامات پیشگیرانه پیش از وقوع و حین وقوع جرم همچون زیرنظر داشتن افراد سابقه‌دار و پرخطر، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محلی برای پیشگیری و گزارش‌دهی زود هنگام، گشت‌زنی و ایجاد ایستگاه‌های ثابت بیشتر در مناطق پرخطر، همچنین واکنش سریع و دستگیری به موقع متهمان و... بیفزاید و از اقدامات غیرقانونی بعد از وقوع جرم، همچون مجرم‌گردانی و رفتارهای نمایشی و خلاف اصول و موازین حقوق کیفری اجتناب ورزد و در هر صورت؛ رعایت کرامت افراد ضروری است^۱ و حق اقدام توهین‌آمیز نسبت به مجرم، همچون زدن و ادا کردن او به سخن گفتن علیه خودش وجود ندارد (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۰/فاضل‌هندی، ج ۱۰، ۱۴۱۶، ص ۴۰۱). چنین اقداماتی خلاف اصول و موازین حقوقی و مغایر با اصل ۳۹ قانون اساسی است.

دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۵ رییس قوه قضاییه نیز ضمن اینکه در ماده ۴؛ با استناد به اصول متعدد قانون اساسی؛ حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان و حفظ حرمت اشخاص را در نظام قضایی ایران مورد تأکید قرار داده و رعایت مقررات قانونی مربوط را در تمام فرآیند رسیدگی لازم شمرده است؛ در بند ۵ ماده ۵ بر انتشار

۱. «از لسان روایات حدود و تعزیرات فهمیده می‌شود که هدف مهم شارع از تشریح آنها اصلاح فرد و جامعه و تأدیب و تربیت افراد خاطی و مجرم می‌باشد. و چون تشریح آنها برخلاف اصل اولی تسلط هر انسانی بر خود می‌باشد، لذا باید به قدر متیقن که مورد اذن قطعی شارع می‌باشد اکتفا نمود و آن مواردی است که تعزیر، کمتر موجب هتک وی گردد. و اگر نوع تعزیر یا شکل اجرای آن موجب هتک کرامت انسانی و در تعارض با مبانی و ارزش‌های پذیرفته شده اخلاقی در یک جامعه باشد، دلیلی بر جواز آن وجود ندارد. به علاوه تعزیر برای رعایت مصالح فرد و جامعه و حفظ حقوق الهی و مردمی است و هتک حرمت و کرامت انسانی، خود از اموری است که مبعوض و منهی عنه شارع است و چگونه با امری که مبعوض شارع است حرمت احکام شریعت و حقوق الهی و مردمی حفظ می‌گردد؟!» (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۱۱۲-۱۱۳).

فوری احکام محکومیت قطعی راجع به جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و همچنین انتشار احکام محکومیت قطعی موضوع صدر این ماده در یکی از روزنامه‌های محلی در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد؛ تأکید دارد. البته در ماده ۹ این دستورالعمل نیز در راستای اصل ۳۹ قانون اساسی؛ به تکلیف مراجع قضایی در اجتناب از هر گونه رفتار تحقیرآمیز و موجب انیت و آزار جسمی یا روحی و روانی یا بی‌حرمتی به متهمان یا محکومان تصریح شده است.

افزون بر لزوم توجه به تشهیر و مجرم‌گردانی در پرتو اصل قانونی بودن و اصل حفظ حرمت، کرامت و حیثیت اشخاص؛ اصل شخصی بودن مجازات‌ها نیز باید مورد توجه قرارگیرد. همان طور که اشاره شد؛ تشهیر غالباً علاوه بر مجازات اصلی اعمال می‌شود و به دلیل ماهیت رسواکنندگی گسترده و سلب اعتبار و آبروی افراد، علاوه بر مجرم، اثر مستقیمی بر فرزندان، خانواده و سرشکستگی بستگان و نزدیکان او و نگاه منفی جامعه به ایشان خواهد داشت. به دلیل اینکه مجازات تشهیر جز در مورد اشخاص حقوقی، مجازاتی تکمیلی محسوب می‌شود بنابراین در راستای رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها و عدم تسری آثار منفی آن بر دیگران؛ لازم است محاکم، تنها در موارد ضروری از مجازات تکمیلی تشهیر اشخاص حقیقی بهره‌گیرند چراکه در تعزیرات، توسل به مجازات شدیدتر یا با آثار منفی گسترده‌تر در صورتی که امکان منع و بازدارندگی به طریقی اخف و آسول وجود داشته باشد محل تردید جدی و مورد منع عقلایی است به‌ویژه اگر در کارآمدی آن ابهام فراوان وجود داشته باشد و امکان و اختیار قانونی عدم اعمال در شرایط حقوقی کنونی میسر باشد. بنابراین در راستای پایبندی به اصل استثناء‌انگاری کیفر، توجه به ضرورت و سودمندی در کنار اصل قانونی بودن، اجتناب از کیفر در موارد غیر ضروری را تضمین خواهد کرد. به عبارت بهتر؛ امکان و اختیار استفاده گسترده انتشار حکم و تشهیر با استفاده از ابزار رسانه‌ای در قانون، توجیه‌کننده حداکثری و در موارد غیر ضروری نیست.

نتیجه

مجرم‌گردانی و اطافه؛ در قوانین کیفری حاکم جایگاهی ندارد بلکه سیاست کیفری در بحث تشهیر معطوف به تشهیر رسانه‌ای بوده است و انتشار حکم محکومیت قطعی، جایگزینی برای تشهیر و مجرم‌گردانی به صورت سنتی محسوب می‌شود که با وجود اشکالات و آثار سوئی که با

نگاهی آسیب‌شناسانه برای تشهیر رسانه‌ای ذکر شده؛ به‌طور نسبی و در جرایم متناسب، ظرفیت و امکان شایسته‌ای در راستای تحقق اهداف و فلسفه وجودی تشهیر دارد.

گرچه تمسک و تمایل سیاست‌کیفری در بحث تشهیر معطوف به تشهیر رسانه‌ای بوده و امکان گسترده‌ای برای تشهیر رسانه‌ای به‌عنوان مجازاتی تعزیری و تکمیلی فراهم گردیده و در مواردی به‌صورتی انتقادبرانگیز به‌سوی الزام در تشهیر گام برداشته است اما توجه قاضی به اهداف تعزیر و ضرورت و سودمندی در کنار اصل قانونی بودن، اجتناب از کیفر در موارد غیرضروری را تضمین خواهد کرد. به عبارت بهتر؛ اختیار قانونی گسترده و امکان انتشار حکم محکومیت قطعی با استفاده از ابزار رسانه‌ای، توجیه‌کننده استفاده حداکثری و در موارد غیرضروری نیست. علاوه بر این شایسته است برای کاهش معایب و چالش‌های تشهیر رسانه‌ای، زمینه تغییر سیاست کیفری «امکان اطلاع» به جای اصل بر «اطلاع‌رسانی» در استفاده از ابزار رسانه‌ای فراهم گردد. در رویکرد «امکان اطلاع»؛ در سایت قوه قضاییه یا سایت‌های پیش‌بینی شده رسمی در مواردی که حکم قضایی با رعایت شرایط تجویز نماید؛ امکان اطلاع برای عموم مردم فراهم می‌شود و امکان اطلاع از حکم قطعی صادره در دسترس شهروندان قرار می‌گیرد. استفاده از چنین روشی از چالش‌های تشهیر رسانه‌ای مستقیم در موارد غیرضروری می‌کاهد و تشهیر رسانه‌ای با اطلاع‌رسانی و انتشار در رسانه‌ها، اخبار و جرایم؛ فقط به مواردی که ضرورت اطلاع‌رسانی و انتشار مستقیم در حکم محکومیت آمده باشد؛ محدود می‌شود البته باید حق بر فراموشی مجرم و حذف مشخصات و در دسترس نبودن هویت وی پس از اعاده حیثیت و با گذشت زمان قانونی تعیین شده با دقت مورد توجه دقیق قرارگیرد. به‌طور کلی اصل کرامت و رعایت حقوق متهم و مجرم همواره باید فرادست سیاست کیفری تشهیر مورد توجه باشد.

در سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران، خیابان‌گردانی اشرار یا شرورگردانی جایگاه قانونی ندارد. حتی همراستا و هم‌سنخ با مصادیق مورد نظر در مباحث فقهی برای تشهیر نیست و قابلیت توجیه بر اساس اصل ۱۶۷ را نیز ندارد. با این وجود طرح مقابله با افراد شرور با سابقه نزاع و درگیری مسلحانه و خیابان‌گردانی این افراد، که سالیان متمادی توسط پلیس به اجرا در آمد؛ بیش از آنکه منطبق بر قانون یا منبعث از اصول حقوق کیفری، موازین فقهی و اندیشه‌های کیفری باشد ناشی از رویکرد عوامگرایی کیفری و لغزش در این مسیر است که بیشتر جنبه نمایشی و بعد تبلیغاتی دارد تا بازدارندگی و کارآمدی. چنین اقدامی از منظر اصول مختلف حاکم بر حقوق

کیفری؛ از اصل قانونی بودن تا اصل تناسب جرم و مجازات و از اصل حفظ حرمت، کرامت و حیثیت اشخاص تا اصل شخصی بودن مجازات‌ها با چالش مواجه خواهد بود که با گسترش روزافزون فضای مجازی و رسانه‌های ارتباط اجتماعی، تصاویر و فیلم‌های مربوط به آن به سرعت در فضای مجازی پخش می‌شود و آثار منفی تشهیر رسانه‌ای نیز در ابعادی وسیع‌تر بدان افزوده و تشدید خواهد شد.

گرچه در سیاست کیفری عوام‌گرایانه، در بیشتر موارد، ابتدا قوانین مبتنی بر خواست و فشار افکار عمومی تدوین و سپس اعمال و اجرایی می‌شود اقدام به شرورگردانی از چنین پشتوانه‌ای نیز برخوردار نیست. علاوه بر اینکه شرورگردانی از اصل وجاهتی ندارد؛ این واکنش همراه با زدن و توهین هنگام خیابان‌گردانی، اشتباهی مضاعف و خلاف موازین و مغایر با اصل ۳۹ قانون اساسی است و توجه به امنیت شهروندان و اقتدار حاکمیت را بازتاب نمی‌دهد بلکه خود، تخلف و جرم است و در نهایت نقش پلیس قانون‌مدار را در اذهان عمومی مخدوش می‌کند. البته در راستای وظیفه قانونی نیروی انتظامی برای استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پیشگیری از وقوع جرم، بایسته است که نیروی انتظامی با تقویت و گسترش برنامه‌های مؤثر، بر اقدامات پیشگیرانه پیش از وقوع و حین وقوع جرم (با تأکید بر پیشگیری اولیه و ثانویه و انواع اقدامات پیشگیرانه وضعی) همچون زیرنظر داشتن افراد سابقه‌دار و پرخطر، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محلی برای پیشگیری و گزارش‌دهی زودهنگام، گشت‌زنی و ایجاد ایستگاه‌های ثابت و تیم‌های سیار بیشتر در مناطق پرخطر، همچنین واکنش سریع و دستگیری به موقع متهمان و... بیفزاید.

گرچه امکان انتشار حکم محکومیت قطعی به‌عنوان مجازات تکمیلی برای این مجرم‌ان خاص نیز وجود دارد اما در تبیین سیاست کیفری کارآمد و مطلوب در موضوع تشهیر، توجه به نوع جرم مورد تشهیر نیز در جهت امکان بازدارندگی و تناسب، لازم است. در این خصوص، تمایزی آشکار میان جرایم یقه‌سفیدی و مفاسد اقتصادی ازسویی و جرایم خشونت‌بار خیابانی و درگیری‌های مسلحانه ازسویی دیگر قابل ملاحظه است که امکان تأثیر و تناسب در جرایم دسته نخست، به دلیل سنخیت بیشتر و ماهیت این جرایم و ویژگی مرتکبان در سوءاستفاده از موقعیت اجتماعی آبرومندانه و در تکمیل واکنش اجتماعی و در کنار سایر مجازات‌ها، وجود دارد چراکه تشهیر، توان سلب قدرت نفوذ و سرمایه اعتبار از این بزه‌کاران را دارد و شفافیت تشهیر، امکان سوءاستفاده از اعتبار و اطمینان را از فرد می‌گیرد، اما در جرایم دسته دوم، با عدم تناسب مواجه هستیم چراکه با مجرمانی

متجاهر و بی‌پروا سر و کار داریم که اعتبار و اعتماد عمومی و حیثیت، سرمایه اصلی این افراد محسوب نمی‌شود و تأثیر شایسته‌ای در مجرم مورد انتظار نیست و برای بزه‌دیده این جرایم نیز دست‌آورد و منفعت چندانی وجود ندارد. بنابراین اگر مصلحت و منفعت قابل توجهی برای جامعه متصور نباشد چنین واکنشی نسبت به این دسته از جرایم؛ موجه، مؤثر و در راستای سیاست کیفری مطلوب نخواهد بود.



منابع

۱. آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲ و ۳، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن براج، قاضی عبدالعزیز؛ المهذب؛ ج ۲، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن زهره، حمزه بن علی؛ غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع؛ قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن فهد حلی، جمال الدین احمد بن محمد؛ المهذب البارع فی شرح المختصر النافع؛ ج ۴، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل؛ لسان العرب؛ ج ۴، ج ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق.
۸. ابوجیب، سعدی؛ القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً؛ ج ۲، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۹. اردبیلی، سید عبدالکریم؛ فقه الحدود والتعزیرات؛ ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید، ۱۴۲۷ق.
۱۰. اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد؛ مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ ج ۱۳، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. انصاری، باقر؛ حقوق رسانه؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۱۲. بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازاتها؛ ترجمه محمد علی اردبیلی؛ ج ۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.
۱۳. بنسون، مایکل ال و سالی اس سیمپسون؛ جرایم یقه سفیدی، رویکردی فرصت مدار؛ ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
۱۴. بهجت، محمد تقی؛ جامع المسائل؛ ج ۵، ج ۲، قم: دفتر معظم له؛ ۱۴۲۶ق.

۱۵. پرت، جان؛ عوام‌گرایی کيفری (بسترها، عوامل و آثار)؛ ترجمه هانیه هژبرالساداتی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۱۶. جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)؛ ج ۱، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۸، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حلبی، ابوصلاح تقی‌الدین بن نجم‌الدین؛ الکافی فی الفقه؛ اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.
۱۹. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیة؛ ج ۵، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
۲۰. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام؛ ج ۳، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. حلّی (محقق حلّی)، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۴، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۲. حیدری، علی‌مراد؛ «نقد کيفرشناختی تشهیر رسانه‌ای»، فصلنامه حقوق اسلامی؛ ش ۳۸، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۳۳-۱۶۰.
۲۳. خمینی، سیدروح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۲، قم: مؤسسه دارالعلم، [بی تا].
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ ج ۴۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
۲۵. رابرتز، جولیان. وی. و دیگران؛ عوام‌گرایی کيفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور؛ ترجمه زینب باقری‌نژاد و دیگران؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۲۶. سبزواری، سید عبدالأعلى؛ مهذب الأحکام؛ ج ۲۸، ج ۴، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
۲۷. سبزواری، علی؛ جامع الخلاف والوفاق؛ قم: زمينه‌سازان ظهور امام عصر (ع)، ۱۴۲۱ق.
۲۸. سلار، حمزه بن عبدالعزیز؛ المراسم العلویة والأحکام النبویة؛ قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۲۹. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد؛ ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل؛ ج ۱۵ و ۱۶، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۸ق.
۳۰. طبسی، نجم‌الدین؛ النفی والتغریب فی مصادر التشریع الإسلامی؛ قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ الخلاف؛ ج ۶، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.

۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی؛ ج ۲، لبنان: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ ج ۹، قم: نشر داوری، ۱۴۱۰ق.
۳۴. غلامی، حسین؛ «شرم و پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم؛ ش ۱۰، بهار ۱۳۸۷، ص ۵۲-۸۶.
۳۵. غلامی، حسین؛ عدالت ترمیمی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۳۶. غلامی، علی و دیگران؛ «مجازات تشهیر در تعزیرات با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده»، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۳-۱۷۷.
۳۷. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی؛ کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۳، ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۹. فیومی، احمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ ج ۲، قم: منشورات دارالرضی، [بی تا].
۴۰. قماش، سعید و انور احمدی؛ «بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده؛ ش ۴، پاییز ۱۳۹۷، ص ۵۰-۱۱.
۴۱. قورچی بیگی، مجید؛ جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدها؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۴.
۴۲. گروه مترجمان؛ جرایم یقه‌سفیدها (مجرمان پشت نقاب اعتماد)؛ تهران: معاونت آموزش نیروی انتظامی، ۱۳۷۹.
۴۳. گلپایگانی، سید محمد رضا؛ ذالمنضود فی أحكام الحدود؛ ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۴۴. محدثی، زهرا و عباسعلی سلطانی؛ «نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۴۹، پاییز ۱۳۹۶، ص ۷۱-۱۰۲.
۴۵. محمودی جانکی، فیروز و محسن مرادی حسن آباد؛ «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۲۱۴.
۴۶. مفید، محمد بن نعمان؛ المقتعة؛ قم: نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۷. مقدسی، محمدباقر و محمد فرجیها؛ «ویژگی سیاست کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تعزیر و گستره آن؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۳.

۴۹. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی؛ *دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية*؛ ج ۲، چ ۲، قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ق.
۵۰. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی؛ *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*؛ قم: ارغوان دانش، ۱۴۲۹ق.
۵۱. موسوی مجاب، سیددرید؛ «جرائم یقه‌سفیدی با نگاهی به آموزه‌های دینی»، *فصلنامه فقه و حقوق*؛ ش ۵۱، زمستان ۱۳۹۵، ص ۹۹-۱۳۱.
۵۲. میرخلیلی، سید محمود؛ «بزهکاری یقه‌سفیدها از منظر امام علی (ع)»، *فصلنامه حقوق اسلامی*؛ ش ۲۲، پاییز ۱۳۸۸، ص ۷-۴۰.
۵۳. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی؛ *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*؛ ج ۲، چ ۲، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵۴. نجفی، محمدحسن؛ *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*؛ ج ۴۱، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۵۵. نراقی، مولی احمدبن محمد مهدی؛ *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*؛ ج ۱۸، قم: مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۱۵ق.
۵۶. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت‌پور؛ *ترس از جرم*؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
57. Friedrichs, David O.; *Trusted Criminals: White Collar Crime In Contemporary Society*; Wadsworth USA, 2010.
58. Sutherland, Edwin H.; *White-Collar Crime; The Uncut Version: With an Introduction by Gilbert Geis and Colin Goff*, New Haven, Yale University Press, 1983.